

# **دستور نویسی و کیفرخواست**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیر بہ:

محض مبارک صدیقہ کبریٰ حضرت فاطمہ زہراء سلام اللہ علیہا

## فهرست

فصل اول : نکات لازم الرعايه در دستورنویسی	۷
مبحث اول: دستور ثبت پرونده‌های کیفری	۷
گفتار اول : رویه اول ( ثبت همه ی پرونده ها)	۷
گفتار دوم : رویه دوم(عدم ثبت هر پرونده)	۹
گفتار سوم : رویه سوم ( رویه مناسب)	۹
مبحث دوم: شناخت مخاطب دستورات	۱۰
گفتار اول : معاونت راهنمایی و رانندگی ( راهور)	۱۱
گفتار دوم : معاونت اطلاعات نیروی انتظامی	۱۱
گفتار سوم : معاونت آگاهی	۱۱
بند اول : اداره مبارزه با سرقت	۱۲
بند دوم : ادارهی مبارزه با جرایم جنایی	۱۲
بند سوم : اداره ی مبارزه با جرایم خاص	۱۲
بند چهارم : ادارهی مبارزه با جرایم اقتصادی	۱۲
بند پنجم : ادارهی مبارزه با قاچاق کالا	۱۳
بند ششم : ادارهی تشخیص هویت	۱۳
بند هفتم : اداره ی اطلاعات جنایی	۱۳
مبحث سوم: رعایت محدوده ی ضابطیت	۱۴
گفتار اول : ضابطینی که کشف جرم و اقدامات بعدی در محدودهی ضابطیت و وظایف را به عهده دارند	۱۴
بند اول : بسیج	۱۴
بند دوم : سپاه	۱۵
بند سوم : اطلاعات سپاه	۱۶
بند چهارم : روسا و معاونین زندان	۱۷
بند پنجم : فرمانده هواپیما	۱۷

بند ششم : مامورین انتظامی راه آهن .....	۱۷
بند هفتم : مامورین جنگل بانی .....	۱۸
بند هشتم : مامورین شکاربانی محیط زیست .....	۱۸
بند نهم : مامورین وصول عایدات دولت و کشف قاچاق .....	۱۸
بند دهم : نیرو یا معاون سازمان فرهنگی .....	۱۸
بند یازدهم : گارد بنادر و گمرکات .....	۱۸
گفتار دوم : ضابطین گزارش دهنده .....	۱۸
گفتار سوم : ضابطین به موجب قانون خاص و با شرح وظایف خاص .....	۱۹
مبحث چهارم : ویژگی دستورات قضایی .....	۱۹
گفتار اول : دستورات صریح و قاطع .....	۱۹
گفتار دوم: پرهیز از اعادهی بلا وجه پرونده ها به مرجع انتظامی .....	۲۰
گفتار سوم: پرهیز از صدور دستورات غیر قانونی .....	۲۱
گفتار چهارم: هدفمند بودن دستورات .....	۲۲
گفتار پنجم: دستورات به صورت بند بند باشد .....	۲۳
گفتار ششم: تفکیک بین مرحله تحقیق و مرحله تعقیب .....	۲۳
گفتار هفتم: ذکر مدت زمان لازم جهت انجام دستورات .....	۲۴
گفتار هشتم: کتبی بودن دستور .....	۲۴
<b>فصل دوم : کیفرخواست .....</b>	<b>۲۶</b>
مبحث اول : نکات و موارد لازم الرعایه حین صدور کیفرخواست .....	۲۶
گفتار اول: مستند کیفرخواست و مقام صالح صدور آن .....	۲۶
گفتار دوم: چگونگی تنظیم کیفرخواست .....	۲۷
بند اول: نکات قضایی .....	۲۷
بند دوم: نکات قانونی .....	۲۹
گفتار سوم: انواع کیفرخواست .....	۳۵
گفتار چهارم : تصحیح کیفرخواست .....	۳۶
گفتار پنجم: عدول از کیفرخواست .....	۳۷

- بند اول : قبل از ارسال پرونده به دادگاه ..... ۳۸
- بند دوم : پس از ارسال پرونده به دادگاه ..... ۳۸
- گفتار ششم: دفاع از کیفرخواست ..... ۳۸

## فصل اول : نکات لازم الرعایه در دستورنویسی

در خصوص ماهیت دستورات قضایی دو نظر وجود دارد :

نظر اول: دستورات هم جزء قرارها هستند.

دستورات قضایی از حیث ماهیت بعضا ملحق به قرارها می باشند بدین توضیح که تصمیمات مقام قضایی را به دو دسته‌ی قرارها و آراء تقسیم می کنند و رأی نیز اعم است از رای شکلی که آن هم اصطلاحا قرار تلقی می گردد و رای در ماهیت که اصطلاحا حکم گویند

نظر دوم: دستورات جزء قرارها نیستند.

در نظر دیگری تصمیمات دادگاه را به دو دسته‌ی دستورات قضایی و آراء تقسیم می نمایند و آراء را نیز به دو دسته‌ی قرارها و احکام نیز تقسیم بندی می نمایند.

### اقسام دستورات

به هر حال صرف نظر از تعریف دستور ، دستورات قضایی به دو گروه تقسیم می شوند:

۱. دستورات قابل اعتراض مانند دستور ضبط موضوع ماده ۲۳۰ ق.آ.د.ک و یا دستور تعطیل موقت کارگاه موضوع قانون کار.
۲. دستورات قضایی غیر قابل اعتراض.

### مبحث اول: دستور ثبت پرونده‌های کیفری

با توجه به اینکه قانون گذار در ق.آ.د.م ، مدیر دفتر را مکلف نموده که به محض ارائه‌ی دادخواست ، توسط خواهان، بلافاصله دادخواست را ثبت نموده و به خواهان رسید ارائه نماید، در امور کیفری چنین تصمیمی وجود ندارد ، لذا در خصوص زمان صدور دستور ثبت پرونده‌های کیفری چندین رویه وجود دارد:

### گفتار اول : رویه اول ( ثبت همه‌ی پرونده‌ها)

از همان ابتداء ارجاع پرونده به شعبه، قاضی دستور ثبت پرونده را صادر نماید و سپس مبادرت به صدور سایر دستورات در پرونده نماید که این رویه مطابق بخش نامه‌ی سال ۱۳۸۲ رئیس محترم وقت قوه قضائیه می

باشد که کلیه ی قضات را مکلف نمودند که به محض ارجاع پرونده به شعبه فوراً دستور ثبت پرونده را صادر نمایند.

مزیت این رویه ، محفوظ ماندن پرونده و محتویات آن و اهتمام خاص مدیران دفاتر به پیگیری دستورات صادره در پرونده ها می باشد

معایب:

اولاً: آنچه که باعث شده که بعضی از قضات به این رویه تن در ندهند این است که به محض صدور دستور ثبت با توجه به اینکه براساس تکلیف قوانین مربوطه در خصوص رعایت تمهیدات لازم جهت حفظ اسناد رسمی شرایط نگهداری پرونده طبق مقررات قانونی می بایست رعایت شود و این شرایط با توجه به کمبود امکانات، کار را برای شعبه مشکل می نماید

به عنوان مثال با توجه به اینکه پس از ارجاع شکوائیه و صدور دستور ثبت توسط قاضی شعبه، اوراق پرونده، سند رسمی محسوب می شود پس از صدور دستور نمی توان برگ شکوائیه را در اختیار شاکی قرار داد تا جهت انجام دستورات به کلانتری یا مرجع انتظامی مربوطه ارائه نماید زیرا اگر شاکی از شکایت خود پشیمان شد و برگ شکوائیه را به مرجع انتظامی مربوطه تحویل نمود، در اینجا در دفتر ثبت پرونده ها و یا در سیستم cms کلاسه ی پرونده ذکر شده لیکن نتیجه اقدامات قابل انعکاس نمی باشد.

ثانیاً: با توجه به اینکه در ماده ۵۴۴ ق.م.ا بیان شده که « هر گاه بعضی یا کل نوشته ها یا اسناد یا اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مامور حفظ آنها هستند، سپرده شده باشد، ربوده یا تخریب یا برخلاف مقررات معدوم شود ، دفتر دار و مباشر ثبت و ضبط اسناد مذکور و سایر اشخاصی که به واسطه ی اهمال آنها ، جرم مذکور وقوع یافته است به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد» لذا با توجه به اینکه حتی اگر به واسطه ی اهمال نیز پرونده ی قضایی معدوم شود، قانوناً جرم تلقی می شود ، پس از ثبت نمی توان پرونده قضایی را در اختیار شاکی و یا فرد دیگری به جز ضابطین قرار داد و نظر به اینکه معمولاً دادرها فاقد امکانات لازم جهت تحویل پرونده ها به ضابطین می باشند، معمولاً در این خصوص با مشکل جدی مواجه خواهند شد.



## گفتار دوم : رویه دوم (عدم ثبت هر پرونده)

معمولا زمانی دستور ثبت پرونده را می دهند که پرونده از هر حیث مهیا برای اتخاذ تصمیم نهایی اعم از قرار جلب به دادرسی و یا منع تعقیب و یا موقوفی تعقیب باشد

اشکال این رویه :

اولا: آمار پرونده های دادسرا ، آمار کاذبی خواهد بود و چه بسا در یک شعبه در ماه بالغ بر دویست پرونده رسیدگی شده باشد اما از حیث آماری بسیار کمتر از آن ثبت شده باشد.

ثانیا: در مواردی که پرونده ثبت نشده است، اهتمام مدیر دفتر به حفظ و حراست پرونده و پیگیری دستورات صادره بسیار کمتر خواهد بود و این مسئله چه بسا باعث از بین رفتن اسناد مهم پرونده گردد، لذا هر چند بعضا طبق این رویه عمل می نمایند لیکن به نظر رویه ی مناسبی نیست،

ثالثا: در هر حال طبق این رویه نیز در مواردی ، ثبت پرونده قبل از مهیا شدن آن برای تصمیم نهایی ضرورت پیدا می کند مانند مواردی که متهم به لحاظ عجز از معرفی کفیل و یا تودیع وثیقه و یا به لحاظ صدور قرار بازداشت موقت می بایست به زندان معرفی گردد که با توجه به اینکه حتما یکی از مواردیکه در برگ معرفی به زندان باید درج شود کلاسه ی پرونده می باشد ، در اینجا حتما باید قبل از دستور معرفی متهم به زندان ، دستور ثبت صادر گردد.

هم چنین در مواردیکه نیاز به استعلامات و مکاتبه با سایر ادارات باشد ذکر کلاسه پرونده الزامی است، مثلا فردی که از وی شکایت فروش مال غیر گردیده در دفاع از خود اعلام داشته که : خود او مالک ملک فروخته شده می باشد و در اینجا نیاز به استعلام ثبتی می باشد؛ که در زمان مکاتبه ی با ثبت ، باید شماره ی کلاسه پرونده ذکر شود تا پس از وصول پاسخ مشخص گردد که این استعلام مربوط به کدام پرونده می باشد.

## گفتار سوم : رویه سوم ( رویه مناسب)

به محض ارائه شکایت توسط شاکی ، پرونده ثبت نمی شود بلکه دستورات اولیه در شعبه صادر می شود و جهت تحویل به مرجع انتظامی مربوطه به شاکی تحویل می شود، مرجع انتظامی نسبت به اجرای دستورات اقدام و پرونده را در اختیار رابط خود که معمولا یا از اعضاء کادر آن مرجع می باشد و یا سربازان وظیفه، قرار داده و پرونده توسط سرباز و یا کادر به شعبه اعاده می گردد که در اینجا در این مرحله دستور ثبت داده می شود و جهت نظارت بر پرونده نیز کلیه ی دستورات پس از ثبت در دو نسخه صادر می شود و مخاطب

دستورات نیز دفتر می باشد یعنی با این عبارت: « دفتر، پرونده به کلانتری مربوطه اعاده تا نسبت به انجام دستورات ذیل اقدام نماید» و دفتر نیز بدلی از پرونده تشکیل می دهد و برگ دوم دستورات در بدل نگهداری و در برگ دوم از مامور رسید تحویل پرونده اخذ می گردد.

### مبحث دوم: شناخت مخاطب دستورات

تعیین مخاطب دستورات بر اساس نوع تقسیم وظایف فی ما بین مرجع انتظامی است؛ توضیح اینکه:

هرچند مرجع انتظامی قانونا ضابط دادگستری محسوب می شود، لیکن با عنایت به اینکه از لحاظ تشکیلاتی و چارت داخلی ارتباطی به دادگستری و یا قوه قضائیه نداشته؛ زیر مجموعه وزارت کشور و به طور کلی دولت محسوب می شود.

به موجب تبصره ماده ۲۹ ق. آ.د.ک کارکنان وظیفه ضابط دادگستری محسوب نمی شوند اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می کنند و مسئولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است این مسئولیت نافی مسئولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست. شناخت ضابطان از آن جهت اهمیت دارد که اقدامات صورت گرفته از سوی افرادی که ضابط نیستند از نظر قانونی بدون اعتبار است و به استناد تبصره ماده ۳۲ ق. آ.د. ک ارجاع امر از سوی مقام قضایی به مأموران یا مقاماتی که حسب قانون ضابط تلقی نمی شوند موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

فرمانده انتظامی کشور توسط رهبر انتخاب می شود و فرماندهان انتظامی استانها توسط فرمانده انتظامی کشور انتخاب و منصوب می گردد.

نیروی انتظامی به لحاظ سازمان دهی و وظایف محوله قانونی من جمله وظایف مربوط به ضابطیت و به منظور بهره‌وری بیشتر و استفاده‌ی بیشتر از تخصص افراد، شرح وظایف خاصی برای هر یک از قسمت‌های زیر مجموعه تعیین نموده که رعایت این شرح وظایف از طرف قضات با توجه به امکانات موجود در مراجع اختصاصی نیروی انتظامی و آموزش‌های ویژه و تجربه‌ی ضابطین، تاثیر مهمی در حصول نتیجه‌ی پرونده‌ها خواهد داشت.

لذا هر چند در قانون، قضات مقید به لزوم رعایت این گونه تقسیم بندی‌ها نشده‌اند، لیکن با توجه به فن‌آوری‌های اختصاص یافته، به عنوان مثال در مواردی که آزمایشات DNA و یا بررسی اثر انگشت در پرونده‌ای ضرورت داشته باشد کلانتری‌ها و پاسگاهها فاقد چنین امکاناتی می باشند و یا به عنوان مثال فردی که به

عنوان رییس کلانتری حوزه‌ی خاصی منصوب شده از لحاظ تشکیلات داخلی نیروی انتظامی، رئیس کلانتری حوزه‌ی دیگر محسوب نمی‌شود و به عنوان رئیس کلانتری در حوزه‌ی دیگر مسئولیتی متوجه وی نیست، لذا معمولاً قضات سعی در رعایت تقسیمات داخلی مرجع انتظامی می‌نمایند و مخاطب دستورات خود را بر اساس این تقسیم بندی تعیین می‌نمایند. به منظور آشنایی برخی از معاونت های نیروی انتظامی که ممکن است حسب مورد مخاطب دستور قرار گیرند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### **گفتار اول : معاونت راهنمایی و رانندگی ( راهور)**

در پرونده هایی که نظر افسر کاردان فنی اعم از نظر افسر یک نفره و یا نظر هیئت کارشناسی، و هم چنین استعلامات مربوط به خودروها و سایر وسایل نقلیه؛ مورد نیاز است، از طریق مکاتبه‌ی با این معاونت صورت می‌پذیرد.

### **گفتار دوم : معاونت اطلاعات نیروی انتظامی**

اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه، معاونت اطلاعات نیروی انتظامی را با توجه به فلسفه‌ی تشکیل این معاونت، ضابط دادگستری نمی‌داند، لیکن با توجه به اطلاق بند الف ماده ۲۹ ق.آ.د.ک به نظر می‌رسد، خدشه ای نتوان به این قول که معاونت اطلاعات نیروی انتظامی نیز ضابط دادگستری باشد وارد نمود.

به علاوه از جهت تقسیم بندی وظایف در خود نیروی انتظامی معمولاً پرونده‌های مربوط به شرکت های هرمی ارادل و اوباش، خرید و فروش و حمل و نگهداری سلاح، توسط این معاونت به عنوان ضابط، تحقیقات مقدماتی انجام می‌پذیرد و عملاً در کشور قضات در پرونده‌های مهم از معاونت اطلاعات استفاده می‌نمایند.

### **گفتار سوم : معاونت آگاهی**

یکی از مهمترین و پرکارترین معاونت های نیروی انتظامی، معاونت آگاهی است که این معاونت با توجه به میزان امور محوله، دارای ادارات مختلفی است که هر اداره وظیفه‌ی خاصی به عهده دارد و قضات می‌توانند در صدور دستورات، مخاطب دستورات را مستقیماً معاونت آگاهی قرار دهند که پس از وصول پرونده به این معاونت، توسط مسئول مربوطه به ادارات مربوطه به آن جرم ارجاع گردد و هم چنین می‌توانند مستقیماً با ادارات مربوطه که به شرح آتی می‌آید، مکاتبه کنند.

### **بند اول : اداره مبارزه با سرقت**

پرونده های مهم مربوط به سرقت مانند سرقت های باندى توسط داديار و يا بازپرس، مستقيماً به اين اداره ارجاع مى گردد كه اگر پرونده ابتداء در آگاهى تشكيل شده باشد از عبارت «عينا اعاده مى گردد تا نسبت به انجام دستورات ذيل اقدام گردد» استفاده مى شود.

اما اگر پرونده در كلانترى و يا پاسگاه ابتداء تشكيل شده باشد با اين عبارت، پرونده تحويل ادارهى مبارزه با سرقت آگاهى مى گردد « عينا اعاده مى گردد تا پس از تحويل پرونده به ادارهى مبارزه با سرقت آگاهى، نسبت به انجام دستورات ذيل اقدام گردد»

**نكته :** پاسگاهها در محدودهى خارج از شهر هستند و به مناطقى مانند بخش و... تعلق مى گيرد برخلاف كلانترى ها كه مربوط به داخل شهرها هستند.

### **بند دوم : ادارهى مبارزه با جريم جنائى**

پرونده های مربوط به قتل، آدم ربایی، سرقت مسلحانه و آتش سوزی عمدی به این اداره ارسال می گردد.

**نكته:** پرونده های مربوط به آدم ربایی در ارتباطات نامشروع يا جريم منافی عفت با توجه به تشكيل پليس امنيت اخلاقی كه وظیفه اى مانند آنچه كه قبلا مركز اجرائى امر به معروف و نهی از منكر سپاه بر عهده داشت به عهده دارد لذا اينگونه پرونده ها به آن مرجع ارسال مى گردد.

### **بند سوم : ادارهى مبارزه با جريم خاص**

به جريم خاص رایانه اى، جعل، رشا، ارتشاء، كلاهبرداری و فروش مال غير رسيدگى مى نمايد. لازم به ذكر است كه در مورد رشوه، معمولاً رشوه هاىی مانند آنچه كه رانندگان به خاطر مسائلى مانند همراه نداشتن گواهینامه به مامورين پیشنهاد مى نمايند و گزارش مى شود، پرونده صرفاً در اختيار كلانترى ها و يا پاسگاههاى مربوطه خواهد بود و ارتباطى با ادارهى مبارزه با جريم خاص ندارد.

### **بند چهارم : ادارهى مبارزه با جريم اقتصادى**

پرونده های مربوط به مفاسد اقتصادی به جز پرونده های مربوط به شرکت های هرمی كه همانگونه كه قبلا ذكر شد معمولاً در معاونت اطلاعات نیروی انتظامی رسيدگى مى شود به اين اداره ارسال مى گردد.

## **بند پنجم : اداره ی مبارزه با قاچاق کالا**

به پرونده های مربوط به قاچاق کالا رسیدگی می نماید

## **بند ششم : اداره ی تشخیص هویت**

استکتابات خطی ، آزمایشات ، بررسی اثر انگشت و کارشناسیهای مربوط به اسلحه و پوکه به این اداره ارسال می شود

## **بند هفتم : اداره ی اطلاعات جنایی**

پوشش دهی اطلاعات کلیه ی ادارات مذکور در معاونت آگاهی را به عهده دارد، لذا چه در جمع آوری اطلاعات جدید و یا هر گونه اطلاعات دیگری در خصوص رفع نیاز سایر ادارات آگاهی از اطلاعات این اداره استفاده می گردد.

نکته اول : سابقا پرونده هایی مانند سرقت های معمولی، سرقت از مغازه ها ، دخل زنی ، بدل اندازی و امثال آن در معاونت آگاهی رسیدگی می شد که این گونه پرونده ها فعلا در کلانتری ها و یا پاسگاهها رسیدگی می شود

نکته دوم : همانگونه که در ابتداء بحث ذکر شد ، قاضی باید در ذکر عنوان مخاطب دستورات دقت نماید لذا در مواردیکه پرونده به یکی از معاونت ها ارجاع می شود ، مخاطب دستورات معاونت مربوطه می باشد و حتی در مورد پرونده های مربوط به ادارات آگاهی می توان معاون آگاهی را مخاطب دستور قرار داد و دستور را به طور کلی به این معاونت واگذار نمود که توسط معاون آگاهی پرونده به اداره ی مربوطه ارسال گردد

نکته سوم : در مورد کلانتری ها ، مخاطب دستورات ، رئیس کلانتری می باشد و در مورد پاسگاه ها مخاطب دستورات فرماندهی پاسگاه می باشد.

نکته چهارم : به موجب ماده ۳۰ ق . آ.د.ک احراز عنوان ضابط دادگستری علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت های لازم با گذراندن دوره های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت ممنوع و از نظر قانونی بودن اعتبار است.

نکته پنجم: به استناد ماده ۳۱ ق. آ.د.ک پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می گردد.

### **مبحث سوم: رعایت محدوده ی ضابطیت**

همانگونه که قبلاً ذکر شده است ضابطین به دو دسته ی ضابطین عام مانند مرجع انتظامی و ضابطین خاص تقسیم می شوند.

محدوده ی وظایف ضابطین خاص به سه دسته تقسیم می شود و هر ضابط خاص مکلف است صرفاً در محدوده ی ضابطیت عمل نماید و قاضی نمی تواند انجام دستوراتی خارج از حیطه ی ضابطیت به وی صادر نماید و باید حیطه ی ضابطیت را رعایت نماید، در غیر این صورت علاوه بر اینکه اقدام قاضی تخلف انتظامی محسوب می شود هیچ گونه ضمانت اجرایی برای انجام و یا عدم انجام دستورات وجود ندارد که این سه گروه از ضابطین خاص عبارتند از:

### **گفتار اول: ضابطینی که کشف جرم و اقدامات بعدی در محدوده ی ضابطیت و وظایف را به**

#### **عهده دارند**

ضابطینی که مکلف اند پس از کشف جرم به موجب قانون و تحت تعلیمات مقام قضایی اقدامات لازم جهت حفظ آثار و دلایل جرم، جلوگیری از فرار متهم و مخفی شدن او و گزارش به مقام قضایی را در محدوده ی ضابطیت خود انجام دهد پس اینگونه ضابطین هم از حیث حیطه ی ضابطیت محدودند و هم از حیث حیطه ی وظایف و اختیارات نسبت به ضابطین عام محدودند که این ضابطین عبارتند از:

#### **بند اول: بسیج**

در ارتباط با فرض اول با توجه به ماده ۱ قانون حمایت از بسیج وظایف ضابطین بسیج را بیان نموده و در حیطه ی ضابطیت می بایست در حد مقرر قانونی از ایشان استفاده گردد لازم به ذکر است که بسیج در جرایم مشهود و مشروط بر اینکه نیروی انتظامی وجود نداشته و یا اگر وجود دارد مداخله ننماید و یا تقاضای کمک نماید به عنوان ضابط محسوب می شود.

علاوه بر موارد مذکور با توجه به ماده ۲۴ قانون مذکور، محدوده ی جغرافیای و رده های نیروی مقاومت بسیج که در اجازه ی اجرای ضابطیت می بایست تعیین گردد، توسط فرماندهی این نیرو تعیین و به مرجع

مربوطه اعلام می شود بسیجیانی که در این محدوده فعالیت می کنند باید دارای حکم ماموریت بوده و هم چنین دارای کارت ضابطیت که مبین شرکت در کلاسهای آموزشی و هم چنین وجود کارت بهداشتی می باشد ، باشند

### **وظایف بسیج از حیث ضابطیت**

۱. ضبط اشیاء و ادوات جرم و تحویل آن به مرجع قضایی یا انتظامی
۲. دستگیری متهم و تحویل آن به مراجع انتظامی یا قضایی
۳. ورود و تفتیش منازل در مواردی که دستگیری متهم مستلزم ورود است
۴. توقیف متهم حداکثر به مدت ۲۴ ساعت
۵. جلوگیری از ورود افراد به منظور حفظ آثار و علائم جرم
۶. تهیه گزارش و ارسال آن به مرجع قضایی و یا انتظامی

### **بند دوم : سپاه**

با توجه به ماده ۱ اساس نامه سپاه مصوب ۶۱/۶/۱۵ مجلس ،سپاه تحت فرماندهی عالی مقام رهبری با هدف نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای رسمی آن و مبارزه قانونی با عوامل و جریانهایی که در صدد خراب کاری و براندازی نظامند یا اقدام علیه انقلاب اسلامی و نفی حاکمیت قوانین جمهوری اسلامی ایران به موجب تبصره ماده ۵ قانون مذکور به عنوان ضابط دادگستری شناخته می شوند.

بنابراین محدوده‌ی ضابطیت سپاه در حد مذکور است و وظایفش نیز در حد وظایف مندرج در بند الف می باشد، و اما ضابطیت در سایر موارد نیازمند تصویب در شورای عالی امنیت ملی می باشد

«ماده ۱ - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است تحت فرماندهی عالی مقام رهبری که هدف آن نگهبانی از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمانهای الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازماندهی نیروهای مردمی می باشد.

ماده ۲ - مبارزه قانونی با عوامل و جریانهایی که در صدد خرابکاری، براندازی نظام جمهوری اسلامی، و یا اقدام علیه انقلاب اسلامی ایران می باشند.

ماده ۳ - مبارزه قانونی با عواملی که با توسل به قوه قهریه در صدد نفی حاکمیت قوانین جمهوری اسلامی باشند.

ماده ۴ - اقدام همانند دیگر نیروهای انتظامی در جهت خلع سلاح کسانی که بدون مجوز قانونی اسلحه و مهمات حمل و نگهداری می‌نمایند.

ماده ۵ - همکاری با نیروهای انتظامی در مواقع لزوم، در جهت برقراری نظم و امنیت و حاکمیت قانون در کشور.

تبصره - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زمینه مأموریت‌های مذکور در مواد فوق به عنوان ضابط قوه قضائیه عمل می‌کند.»

### **بند سوم : اطلاعات سپاه**

با توجه به بند دو ماده ۶ قانون تاسیس وزارت اطلاعات مصوب ۶۲/۵/۲۷ واحد اطلاعات سپاه جزء ضابطین خاص دادگستری می باشد.

«ماده ۶ - واحد اطلاعات سپاه پاسداران وظایف زیر را بر عهده دارد:

۱ - اطلاعات نظامی.

۲ - گرفتن اطلاعات لازم از وزارت اطلاعات قبل از عملیات به عنوان ضابط قوه قضائیه.

۳ - تحویل اخبار واصله امنیتی به وزارت اطلاعات.»

وظایف:

که به موجب این قانون عملیات اجرایی وزارت اطلاعات به عهده‌ی اطلاعات سپاه است و ماده ۴ قانون فوق‌الذکر به صراحت بیان می‌نماید «کلیه امور اجرایی امنیت داخلی به عهده‌ی ضابطین قوه قضائیه می‌باشد» و در تبصره یک ماده مذکور بیان داشته که «وزارت اطلاعات قبل از عملیات اطلاعات لازم را در اختیار ضابطین قرار می‌دهد» و در تبصره ۲ ماده مذکور بیان نموده که «ضابطین کلیه‌ی اسناد و مدارک اطلاعاتی که در حین عملیات بدست می‌آورند بلافاصله به وزارت اطلاعات تحویل می‌دهند» و به همین دلیل است که اداره‌ی حقوقی قوه قضائیه بیان می‌نماید که «وزارت اطلاعات ضابط دستگاه قضایی نیست» و



حتی در مقاصد اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی که به موجب برنامه سوم توسعه اداری اطلاعات به عنوان ضابط شناخته شد، هرچند رویه‌ی همکاران قضایی اقدامات اجرایی را نیز به این اداره تفویض می‌کنند لیکن به نظر می‌رسد این عمل خلاف ماده ۴ قانون تاسیس وزارت اطلاعات باشد و لذاست که اداری حقوقی به نحو مطلق اداری اطلاعات را ضابط دستگاه قضایی نمی‌داند.

### **بند چهارم : روسا و معاونین زندان**

#### **بند پنجم : فرمانده هواپیما**

با توجه به ماده ۳۲ قانون هواپیمائی در صورت وقوع جرم در داخل هواپیما طبق مقررات قانونی فرمانده هواپیما تحقیقات مقدماتی را به عمل آورده و دلایل و مدارک جرم را جمع آوری می‌نماید و در صورت لزوم می‌تواند مظنونین به ارتکاب جرم را توقیف نماید

پس از فرود گزارش تهیه و به اداری کل هواپیمایی کشوری ارسال می‌نماید و اگر هواپیما داخل ایران فرود آید به دادستان محل فرود گزارش نموده و پس از تحویل متهم ضابطیت وی خاتمه یافته و اگر هواپیما خارج از کشور فرود آید مراتب را به اطلاع کنسول ایران در آن حوزه رسانده و کسب تکلیف می‌نماید.

#### **بند ششم : مامورین انتظامی راه آهن**

با توجه به ماده ۷ قانون ایمنی راه‌ها و راه آهن مصوب ۴۹ اگر

اولاً: در طول خطوط ریلی

ثانیا: از طرف رانندگان وسایل نقلیه راه آهن

ثالثاً: بر اثر رانندگی وسایل مزبور

قتل یا جرح یا ضرب واقع شود، مامورین راه آهن باید:

(۱) وسیله را متوقف نمایند

(۲) مبادرت به کمکهای نخستین در مورد مجروحین نمایند

(۳) صورت مجلس در محل حادثه تنظیم نمایند

(۴) از راننده و مطلعین تحقیقات لازم به عمل آورند

۵) چنانچه جسد یا سایر اجسام مانند وسایل نقلیه بر روی خطوط ریلی قرار گرفته و مانع حرکت قطار گردد، در خارج از خط قرار می گیرد

۶) حفظ آثار و علائم موجود در محل و نهایتاً گزارش به مقام قضایی

پس چنانچه اقداماتی در حد وظایف ۶ گانه فوق نیاز باشد، مامورین راه آهن در این خصوص دارای ضابطیت می باشند و اما مازاد بر آن مثل اخذ نظر کمیسیون سوانح و سایر اقدامات مورد نیاز جهت تکمیل پروندهی قضایی را از طریق ضابطین عام پیگیری خواهیم نمود.

**بند هفتم: مامورین جنگل بانی**

**بند هشتم: مامورین شکاربانی محیط زیست**

**بند نهم: مامورین وصول عایدات دولت و کشف قاچاق**

**بند دهم: نیرو یا معاون سازمان فرهنگی**

**بند یازدهم: گارد بنادر و گمرکات**

**گفتار دوم: ضابطین گزارش دهنده**

مامورینی که وظیفه‌ی آنها صرفاً گزارش است و به محض گزارش به مقامات قضایی و یا ضابطین عام، ضابطیت ایشان خاتمه می یابد و نمی توان انجام دستورات را به ایشان واگذار نمود که عبارتند از:

۱. مامورین شهرداری ماده ۷ لایحه حفظ و گسترش فضای سبز  
ماده (۷) گزارش مامورین شهرداریهای مامور اجرای این قانون که قبلاً با وظایف ضابطین دادگستری آشنا شده اند به منزله گزارش ضابطین دادگستری است.

۲. مامورین منابع طبیعی و وزارت جهاد کشاورزی: ماده ۱۹ لایحه مذکور

۳. مامورین وزارت نیرو موضوع مواد ۱۳، ۳، ۲۵ و ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب

۴. بازرسان تامین اجتماعی: ماده ۱۰۲ قانون تامین اجتماعی

۵. بازرسان کار و کارشناسان بهداشت : ماده ۱۰۱ قانون کار و تبصره‌ی ۲ ماده ۱۹ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی ، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی

۶. مامورین شرکت پست و تلگراف و تلفن موضوع ماده ۱۵ قانون تاسیس شرکت مخابرات

### **گفتار سوم : ضابطین به موجب قانون خاص و با شرح وظایف خاص**

مامورین مشابه ضابط خاص دادگستری که در قانون ذکر از ضابط بودن آنها نشده است لیکن بخشی از وظایف ضابطین خاص به ایشان محول شده است که عبارتند از:

۱- مامورین وزارت جهاد کشاورزی : ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب ۷۴

۲- مامورین وزارت مسکن و شهرسازی : موضوع ماده ۱۵ قانون اراضی شهری

۳- اعضای شورای اسلامی شهر و روستا موضوع ماده ۲۴ قانون مبارزه با مواد مخدر

۴- بازرسان مخصوص وزارت بهداشت : ماده ... قانون مربوط به مقررات امور پزشکی

۵- بازرسان موسسه استاندارد ماده ۹ و ۱۳ قانون اصلاح قوانین و مقررات موسسه استاندارد

۶- کلیه‌ی روسای سازمان های دولتی و وابسته‌ی به دولت موضوع ماده ۷۲ ق.آ.د.ک و م ۶۰۵ ق م ا

(تعزیرات)

۷- پزشکان شاغل در سازمان پزشکی قانونی موضوع ماده ۱ قانون پزشکی قانونی

۸- کارشناسان رسمی دادگستری : در قانون کارشناسان رسمی

### **مبحث چهارم : ویژگی دستورات قضایی**

#### **گفتار اول : دستورات صریح و قاطع**

دستورات قضایی باید قاطع و صریح باشد و به هیچ وجه دستورات مبهم صادر نگردد :

در برخی از موارد ملاحظه می گردد که با استفاده‌ی از مهر و یا نوشته های تایپ شده‌ی قبلی با این عبارت که « عینا جهت انجام تحقیقات مقدماتی ، جمع آوری دلایل ، اخذ اظهارات شهود، احضار و در صورت

عدم حضور متهم جلب، پرونده به کلانتری مربوطه ارسال می گردد» دستورات به صورت کلی صادر می شود.

اینگونه دستورات با توجه به عدم آموزش لازم توسط مراکز آموزشی ضابطین، علاوه بر اینکه خلاف حقوق شهروندی می باشد، معمولا موجب تضییع حقوق شاکی و یا متهم و یا هر دو می گردد؛ لذا بهتر است که تحت هیچ شرایطی چنین دستوراتی صادر نگردد و چه بسا ممکن است باعث سوء استفاده‌ی مراجع انتظامی نیز گردد.

### **گفتار دوم: پرهیز از اعاده‌ی بلا وجه پرونده ها به مرجع انتظامی**

بعضا ملاحظه می شود، قاضی به لحاظ کمبود فرصت در مطالعه‌ی پرونده، سعی می نماید با دستوری کاملا ناقص و یا غیر مرتبط به پرونده، پرونده را به مرجع انتظامی اعاده نماید، با توجه به فوریت تحقیقات علی القاعده قاضی می بایست دستوراتی جامع و کافی در پرونده صادر نماید به نحوی که با حداقل رفت و آمد پرونده بین مرجع قضایی و مرجع انتظامی نتیجه‌ی مورد نظر حاصل گردد

معمولا در پایان وقت اداری نیز بعضا ملاحظه می شود که قضات با این عبارت که « به لحاظ انقضاء وقت اداری پرونده به همراه متهم اعاده می گردد، فردا صبح اول وقت اداری پرونده در معیت متهم به نظر برسد» پرونده را به مراجع انتظامی اعاده می نمایند که با توجه به اینکه تحقیقات تعطیل بردار نیست؛

اولا: صدور چنین دستوری فاقد توجیه قانونی است

ثانیا: صدور دستور بازداشت متهم صرفا در مواردی که تکمیل تحقیقات در پرونده ضرورت داشته باشد و این تکمیل تحقیقات نیاز به بازداشت متهم داشته باشد، جایز است در اینجا می تواند دستور بازداشت متهم تا ۲۴ ساعت را صادر نمود، اما دستور با وصف فوق الذکر غیر قانونی بوده و قاضی نباید بی جهت متهم را ولو تا سقف ۲۴ ساعت بازداشت نماید.

نکته: اگر مجبور به این کار شدیم بهتر است که دستوری هم به کلانتری بدهیم مثل اینکه انگشت نگاری و سوابق احتمالی اخذ شود و الا ممکن است کیفر خواست صادر شود. دقت شود گاهی اصلا نیاز به بازداشت متهم نیست در این موارد چه در حال کشیک و چه در حال عادی بهتر است که متهم آزاد شود مگر دلایل کافی برای احضار و جلب وجود داشته باشد.

## گفتار سوم: پرهیز از صدور دستورات غیر قانونی

یکی از مواردی که اکثراً ملاحظه می شود و قضات به آن مبتلا هستند نحوه تعیین تکلیف در مورد متهم احضار شده و یا جلب شده است بدین توضیح که:

در بعضی از موارد به لحاظ کمبود فرصت جهت تحقیقات و یا ضعف ادله اثباتی، قضات پرونده را به کلانتری اعاده می نمایند و با این عبارت که: « متهم به نحو قابل دسترس آزاد باشد» پرونده را به همراه متهم در اختیار مرجع انتظامی قرار می دهد با توجه به اینکه به موجب ماده ۴۱ ق.آ.د.ک، ضابطین حق اخذ تامین از متهم را ندارند و منظور این ماده این است که ضابطین نه راساً و ابتداءً حق اخذ تامین از متهم را دارا می باشند و نه با دستور مقام قضایی واجد چنین حقی خواهند شد، لذا قضات قطعاً نمی توانند با این عبارت که « متهم با ضامن معتبر آزاد باشد» دستور اخذ تامین به مرجع انتظامی را صادر نمایند و این دستور خلاف صریح ماده ۴۱ ق.آ.د.ک می باشد.

اما از نظر دادگاه انتظامی قضات، صدور دستور « متهم به نحو قابل دسترس آزاد باشد» را نیز تخلف انتظامی می دانند زیرا اگر مراد اخذ تامین از متهم باشد که همانگونه که قبلاً ذکر شد، تخلف از ماده ۴۱ ق.آ.د.ک می باشد و اگر منظور چیز دیگری است با توجه به ابهام دستور، چنین دستوری نیز همانگونه که در نکته اول ذکر شد خلاف قانون است و فاقد هرگونه اثر می باشد و دادگاه انتظامی قضات چنین دستوری را چنانچه منجر به بازداشت متهم گردد، تخلف انتظامی محسوب می نماید؛ حتی اگر بازداشت در فرجه‌ی ۲۴ ساعته باشد.

علاوه بر آن فرض اخذ تضمین و یا تامین توسط مرجع انتظامی از متهم، چنین تأمینی، هیچ ضمانت اجرایی نخواهد داشت و نه قابلیت صدور دستور ضبط به استناد ماده‌ی ۲۳۰ ق.آ.د.ک را دارد و نه تضمین حقوقی و مدنی و یا در قالب عقد کفالت، کفالت مدنی محسوب می شود و نمی توان بر مبنای آن تقدیم دادخواست نمود.

بنابراین در چنین مواردی باید به ترتیب ذیل اقدام نمود:

چنانچه پرونده به همراه متهم به شعبه ارائه گردد و قاضی دلایل کافی برای تفهیم اتهام داشته باشد، بلافاصله اتهام را با صراحت و با رعایت مقررات آیین دادرسی کیفری و با ذکر دلایل به وی تفهیم می نماید که پس از این مرحله چند حالت متصور است:

حالت اول: متهم اتهام را می پذیرد و با توجه به اینکه اقرار در امر کیفری به شرطی مورد قبول است که مقرون به قرائن باشد و قرائن نیز بر صحت اقرار دلالت داشته باشد؛ در اینجا بلافاصله قرار تامین متناسب صادر می گردد و وفق ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک عمل می گردد

حالت دوم: متهم در دفاع از خود مطالبی را بیان نماید که دلایل اولیه را به طور کلی مخدوش نماید و در واقع هیچ دلیلی دال بر توجه اتهام به متهم باقی نماند، در اینجا نیز متهم چنانچه فرجه ۲۴ ساعته ی بازداشت وی سپری شده باشد و یا تکمیل تحقیقات نیاز به حضور متهم نداشته باشد بلاقید آزاد می گردد و تحقیقات ادامه خواهد داشت.

۱- تکمیل تحقیقات نیاز به حضور متهم دارد لیکن مدت ۲۴ ساعته سپری شده با توجه به اینکه فرض این است که هیچ دلیلی بر توجه اتهام به وی وجود ندارد و مدت ۲۴ ساعته نیز سپری شده در اینجا نیز متهم بلاقید آزاد می گردد و دستور تکمیل تحقیقات صادر می شود.

۲- تکمیل تحقیقات نیاز به حضور متهم داشته باشد و فرجه ی ۲۴ ساعته کماکان باقی باشد: در این فرض متهم تا ۲۴ ساعت تحت نظر خواهد بود و دستور تکمیل تحقیقات صادر خواهد شد.

۳- با توجه به دفاعیات متهم، کلیه ی دلایل از بین رفته و تحقیقات نیز تکمیل است که در اینجا حتی در وقت کشیک متهم بلاقید آزاد و قرار منع تعقیب وی صادر می گردد.

حالت سوم: دفاعیات متهم به نحوی است که ادله ی قبلی را ضعیف می نماید لیکن مع الوصف دلایلی دال بر توجه اتهام به متهم کماکان باقی است و امکان ادامه تحقیقات نیز وجود دارد. در اینجا با توجه به میزان دلایل پس از تفهیم اتهام، قرار مناسب و لو قرار التزام به حضور و یا وجه التزام، صادر می گردد و دستورات لازم جهت ادامه ی تحقیقات صادر می گردد.

### **گفتار چهارم: هدفمند بودن دستورات**

یکی از وظایف قاضی، پس از اخذ اظهارات شاکی و یا قرائت گزارش مرجع انتظامی تحلیل شکایت شاکی است، و به عبارت دیگر ایجاد شناسنامه ی اجمالی برای پرونده است که برخی از همکاران محترم قضایی در پوشه ی پرونده و یا برگ خاصی به شرح ذیل اقدام می نمایند:

ابتدا کلیه ی عناوین اتهامی مطرح در پرونده را، احصاء می نمایند و در پرونده ذکر می کنند، سپس دعاوی قابل گذشت و غیر قابل گذشت را از یکدیگر تفکیک می نمایند، در دعاوی قابل گذشت چنانچه دارای عناوین متعددی باشد و از جهت اراده ی شکایت شاکی دارای ابهام باشد سعی در رفع ابهام در همان مرحله

اول می نماید، همچنین در جرائم قابل گذشت سمت شاکی را نیز در پرونده بررسی می نماید علاوه بر این از جهت صلاحیت و یا شمول مرور زمان نیز در پرونده دقت کافی می نماید

پس ارکان تشکیل دهنده هر موضوع اتهامی را در پرونده ذکر و جهات تحقیق را مشخص می نماید به عنوان مثال، جهات تحقیق در جرم خیانت در امانت با توجه به اینکه در این جرم نیاز به اثبات امانت، اثبات طریق مصرف و اثبات استفاده‌ی در خلاف طریق مصرف (خیانت) وجود دارد نسبت به بررسی دلایل اثباتی هر یک از سه مورد باید تحقیق شود.

پس از تعیین جهات تحقیق باید به دلایل اثباتی مورد نیاز برای هر جرم توجه نمود، سپس دلایل موجود در پرونده را مد نظر قرار داد و دستورات را در زمان چینی ادله‌ی مورد نیاز به صورت ترتیبی صادر نمود.

### **گفتار پنجم: دستورات به صورت بند بند باشد**

دستورات باید به صورت بند بند و به نحوی انشاء شود که ابتداء دستورات مربوط به اثبات وقوع اصل بزه ذکر شود سپس دستورات مربوط به اثبات انتساب بزه ارتكابی به متهم، اثر این امر علاوه بر اثری که از جهت سرعت در تکمیل روند تحقیقات دارد از جهت نظارتی نیز موثر است که در مرحله‌ی بعدی ذکر خواهد شد

### **گفتار ششم: تفکیک بین مرحله تحقیق و مرحله تعقیب**

با توجه به ماده ۱۶۸ ق.آ.د.ک قاضی نباید کسی را احضار و یا جلب نماید مگر اینکه دلایل کافی برای توجه اتهام وجود داشته باشد، شناخت دلالت دلیل و یا اعتبار دلیل امری است قضایی و نه تنها قابل تفویض به مرجع انتظامی نیست بلکه بسیاری از حقوقدانان معتقدند حتی قابل تفویض به مراجع قضایی دیگر نیز نیست. و لذا نمی توان در نیابت قضایی خطاب به مرجع مجری نیابت اعلام نموده که: «در صورت توجه اتهام به متهم نامبرده احضار و نسبت به وی تفهیم اتهام گردد» بلکه مرجع معطی نیابت ابتداء باید دلایل را شخصا و یا نیابتا جمع آوری و در صورت احراز توجه اتهام به متهم، دستور تفهیم اتهام را به مرجع مجری نیابت صادر نماید

لذا قاعده این چنین اقتضاء می کند که در مرحله اول دستورات لازم جهت جمع آوری دلایل اثباتی و انتسابی صادر گردد و پس از وصول پرونده، قاضی بررسی کند چنانچه اتهام را متوجه متهم دانست و دلیل در حد احضار وجود داشت در مرحله‌ی بعدی وارد مرحله تعقیب متهم یعنی احضار یا جلب وی گردد.

توجه: چنانچه در اکثر پرونده ها مشاهده می شود با توجه به کثرت پرونده های ارجاعی و کمبود فرصت ، معمولاً رویه اینگونه است که پس از صدور دستورات نسبت به تحقیق به صورت ترتبی در ذیل دستورات ذکر بشود که در صورت توجه اتهام به متهم نامبرده احضار و اظهارات وی اخذ گردد که این نوع دستور دادن هرچند به نظر می رسد احاله کردن استنباط به مرجع انتظامی است لیکن رویه ی انتظامی قضات اینگونه می باشد که در صورتی ترتبی بودن ایرادی از این حیث وارد ننموده لیکن در هر حال دستورات راجع به مرحله ی تعقیب باید متعاقب دستورات مربوط به مرحله تحقیق ذکر شود.

### **گفتار هفتم: ذکر مدت زمان لازم جهت انجام دستورات**

مطابق م ۳۴ ق.آ.د.ک دستورات مقام قضایی الزاماً باید با قید مهلت صادر شود و معمولاً قضات ذیل دستورات می نویسند «پرونده تکمیلأ به نظر برسد» با توجه به اینکه یکی از وظایف مراجع انتظامی این است که دستورات قاضی را تماما و در موقع و زمان تعیین شده اجرا نمایند و در صورت استتکاف با توجه به ماده ۳۵ و ۶۳ ق.آ.د.ک ، قابلیت تعقیب خواهند داشت.

اگر مرجع انتظامی فقط بعضی از دستورات را انجام دهد لیکن پرونده را در فرجه ی مقرر اعاده نمایند و یا تمامی دستورات را انجام دهد لیکن خارج از فرجه ی مقرر دستورات را اجرا نماید ، چنین اقدامی از نظر قانون جرم می باشد و با توجه به ماده ۹۹ ق.آ.د.ک ، دادیار مکلف است به دادستان گزارش جرم نماید لذا اگر دستورات به صورت کلی صادر شود و یا زمان مناسب جهت انجام دستورات ذکر نگردد ، چنین اقدامی باعث ضعف در نظارت بر مراجع انتظامی خواهد بود.

### **گفتار هشتم: کتبی بودن دستور**

مطابق م ۳۴ دستورات مقام قضایی به ضابطان دادگستری باید بصورت کتبی باشد اما قانون جدید آ.د.ک در برخی موارد دستور شفاهی را نیز پذیرفته است و در مواردی فوری که دستور کتبی مقدور نیست قاضی می تواند بصورت شفاهی دستور صادر کند و ضابطان دادگستری باید ضمن انجام دستورها و درج مراتب و اقدامات در صورت مجلس، در اسرع وقت و ظرف ۲۴ ساعت آن را به امضای مقام قضایی برسانند مثلاً مأمورین با حکم جلب و ورود به منزل به درب منزل متهم برای دستگیری وی می روند اما وی علی رغم حضور در منزل درب را باز نمی کند در این صورت ضابطین در صورت فوریت و امکان فرار متهم می توانند بصورت تلقی دستور فک قفل را از قاضی دریافت نمایند.



نکته : دستورات قضایی که توسط قاضی خطاب به مرجع انتظامی صادر می شود به دو صورت است:

(۱) دستوراتی که افشای آن مخل به روند تحقیقات نیست که معمولاً این دستورات را طبق معمول در پرونده منعکس و در اختیار ضابط قرار می دهیم

(۲) دستوراتی که افشای آنها مخل به نتیجه تحقیقات می باشد مانند دستور شنود تلفن که اگر کسی متوجه شود که تلفنش شنود می شود دیگر از آن تلفن استفاده نمی کند.

هم چنین در مواردی که اجرای دستور ارتباطی با مرجع انتظامی ندارد مانند: شنود تلفن، در اینجا باید پس از صدور دستور شنود جهت هماهنگی با قاضی ویژه ی شنود ، دستور را در پاکتی سربسته گذاشته و مستقیماً به آن مرجع ارسال نمایید نه از طریق مرجع انتظامی و هم چنین محصولات فنی را نمی توان در پرونده ضبط نمود بلکه می بایست پس از رفع نیاز به مرجع مربوطه اعاده نمود ( مانند سی دی که حاوی شنود است ،پرینت اس ام اس، پیاده شده شنود)

## فصل دوم: کیفرخواست

### مبحث اول: نکات و موارد لازم الرعایه حین صدور کیفرخواست

#### گفتار اول: مستند کیفرخواست و مقام صالح صدور آن

یکی از مهمترین وظایف دادستان صدور کیفرخواست است که از طریق آن بخش عمده ای از وظیفه نظارتی خود را به عنوان مدعی العموم اجرایی می نماید. مستند صدور کیفرخواست ماده ۲۶۸ ق.آ.د.ک که بیان می دارد: «در صورتی که عقیده داستان و بازپرس بر جلب متهم به دادرسی باشد دادستان ظرف دو روز با صدور کیفرخواست از طریق شعبه بازپرسی بلافاصله پرونده را به دادگاه صالح ارسال می کند.»

در مورد پرونده هایی که بازپرس تحقیقات مقدماتی آن را به عهده دارد با صدور قرار جلب به دادرسی پرونده در جهت اعمال م ۲۶۵ ق آ د ک نزد دادستان یا دادیار اظهار نظر ارسال شده و دادستان یا دادیار اظهار نظر در صورت موافقت با قرار با این عبارت که: «با قرار جلب به دادرسی صادره موافقت حاصل است به شرح برگ آتی کیفرخواست صادر خواهد شد» کیفرخواست مستقلی صادر می نماید و پرونده به همراه کیفرخواست صادره به شعبه بازپرسی اعاده می شود و دفتر شعبه بازپرسی به دستور بازپرس پس از کسر از آمار پرونده را به مرجع ذیصلاح ارسال می نماید.

اما در مورد پرونده های شعب دایاری یعنی مواردی که تحقیقات توسط دادیار صورت گرفته و قرار جلب به دادرسی صادر شده است دو رویه حاکم است: اول اینکه مانند پرونده های شعب بازپرسی به کیفیت بالا کیفرخواست توسط دادستان یا دادیار اظهار نظر صادر می گردد.

رویه دوم که رویه غالب نیز هست بدین صورت است که دادستان یا دادیار اظهار نظر در صورت موافقت با قرار جلب به دادرسی ذیل قرار چنین می نویسد: «با قرار جلب به دادرسی صادره موافقت حاصل است کیفرخواست صادر گردد.» و پرونده بدون صدور کیفرخواست به شعبه دایاری اعاده می گردد و دادیار صادر کننده قرار شخصا مبادرت به صدور کیفرخواست می نماید و ارسال می گردد.

در برخی موارد جرایم به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می شود و مرحله داسرا را از ابتدا طی نمی کند که در اصطلاح به آن جرایم بدون کیفرخواست می گویند. مصادیق جرایم بدون کیفرخواست عبارتند از:

۱- تبصره ۱ ماده ۲۸۵ که بیان می دارد تحقیقات مقدماتی تمام جرایم افراد زیر پانزده سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می آید.

۲- ماده ۳۰۶ که بیان می دارد به جرایم زنا و لواط و سایر جرایم منافی عفت به طور مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی می شود.

۳- ماده ۳۴۰ که مقرر می کند جرایم تعزیری درجه هفت و هشت به طور مستقیم در دادگاه مطرح می شود.

۴- در حوزه قضایی بخش به استناد مواد ۲۹۹ و ۳۳۶ ق.آ.د.ک دادگاه عمومی بخش به تمام جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری رأسا رسیدگی و رأی صادر خواهد کرد.

## **گفتار دوم: چگونگی تنظیم کیفرخواست**

### **بند اول: نکات قضایی**

#### **الف) مخاطب کیفرخواست**

یکی از مواردی که در کیفرخواست باید رعایت شود نکات قضایی کیفرخواست است. بدین توضیح که هرچند در قانون صراحتا بیان نشده که در کیفرخواست مخاطب آن چه مرجعی باشد لیکن با توجه به این که کیفرخواست تقاضای مجازات از سوی دادستان نسبت به مجرم است لذا علی القاعده این تقاضا باید از یک شخص حقیقی یا حقوقی باشد.

عنوان کیفرخواست از لحاظ تعیین صلاحیت نخستین دادگاه کیفری نقش مهمی دارد زیرا پرونده باید به دادگاهی ارجاع شود که کیفرخواست خطاب به آن صادر شده است و وقتی دادستان دادگاه خاصی را عنوان کند رئیس حوزه قضایی مکلف است پرونده را به همان دادگاه ارجاع دهد اگرچه خود اعتقادی به صلاحیت دادگاه مورد نظر دادستان نداشته باشد. البته هر چند ارجاع پرونده به دادگاه مورد نظر دادستان الزامی است اما در مقابل تبعیت دادگاه مرجوع الیه از نظر دادستان اجباری نیست و دادگاه رسیدگی کننده مکلف است طبق قواعد مربوط صلاحیت خود را احراز نموده در صورت صلاحیت رسیدگی و الا قرار عدم صلاحیت صادر نماید.

با توجه به ماده ۵۷۰ ق.آ.د.ک ، تبصره ۷ م ۲۰ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب به قوت خود باقی است بنابراین مخاطب کیفرخواست حسب مورد به شرح ذیل خواهد بود.

۱- در جرایمی که در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ می باشد مخاطب کیفرخواست، رئیس کل دادگستری شهرستان است.

۲- در جرایمی که در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ می باشد اگر دادگاه کیفری ۱ در شهرستان تشکیل شده باشد مخاطب کیفرخواست همان رئیس کل دادگستری شهرستان است و اگر در استان باشد مخاطب ما رئیس کل دادگستری استان می باشد.

۳- در جرایم در صلاحیت دادگاه انقلاب و دادگاه اطفال بسته به اینکه مجازات جرم اعدام باشد یا نه مخاطب ما فرق دارد اگر مجازات جرم اعدام باشد مخاطب کیفرخواست ما مخاطب کیفرخواست در پرونده هایی است که به کیفری ۱ می فرستیم و اگر مجازات جرم غیر اعدام بود مخاطب کیفرخواست رئیس کل دادگستری شهرستان است.

### **ب) تاریخ صدور کیفرخواست**

مقامات قضایی رسیدگی کننده به پرونده موظفند ذیل برگه صورت جلسه و سایر اوراق پرونده از جمله اوراق مربوط به صدور قرارها و کیفرخواست را امضاء نمایند. چون این اوراق با توجه به این که از طرف مأمور رسمی و در حیطه وظایف قانونی او و در چارچوب قانون تنظیم شده سند رسمی هستند و در هر سند باید تاریخ صدور آن درج گردد لذا در کیفرخواست نیز باید تاریخ قید شود.

### **پ) شماره کیفرخواست**

کیفرخواست یک سند قضایی است و هرچند در قانون تصریح نشده است اما درج شماره کیفرخواست الزامی است.

### **ت) امضا و درج نام و سمت صادر کننده کیفرخواست**

امضا و ذکر نام و سمت مقام قضایی صادر کننده قرار یا حکم یا کیفرخواست لازم و ضروری است در آیین نامه اجرایی نظارت بر رفتار قضات عدم درج نام و نام خانوادگی و سمت مقام قضایی در ذیل اوراق صادره از تخلفات انتظامی قضات برشمرده شده است و بدون امضا برگه صادره ارزش قضایی ندارد.

### **ث) بیان جهات مشدده در کیفرخواست**

اگر جهت یا جهات مشدده مجازات وجود داشته باشد دادستان مکلف است آنها را نیز قید کند منظور از جهات مشدده مواردی است که در برخی مواد قانونی به عنوان عامل تشدید مجازات نام برده شده است مانند واقع شدن سرقت در شب، همراه داشتن سلاح هنگام سرقت، ارتکاب جعل برای اختلاس، سردستگی در

ارتکاب جرم و مواردی از این قبیل که قانونگذار وجود آنها را حین ارتکاب جرم باعث تشدید مجازات دانسته است.

### **بند دوم: نکات قانونی**

نکات قانونی که درج آن در کیفرخواست الزامی است در ماده ۲۷۹ ق.آ.د.ک بیان شده است که به تفکیک مورد بررسی قرار می گیرد.

### **الف) مشخصات متهم**

این مشخصات عبارتند از: نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، شماره ملی، شماره شناسنامه، تابعیت، مذهب، محل اقامت و وضعیت تأهل او.

نکته اول: سن متهم با توجه به تاریخ تولد مندرج در شناسنامه قید می شود به ویژه مواردی که سن متهم در نوع و میزان مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی یا در صلاحیت مرجع رسیدگی تأثیر دارد نمی توان تنها به اظهارات متهم اکتفا کرد بلکه باید شناسنامه متهم را ملاحظه کرد و بر آن مبنا سن وی را تعیین کرد و اگر متهم شناسنامه نداشته باشد باید با معرفی به پزشکی قانونی سن واقعی او را مشخص نمود.

نکته دوم: در مواردی که متهم حضور دارد ولی از دادن مشخصات خود خودداری می کند چند رویه وجود دارد :

۱- متهم طی شرحی به اداره تشخیص هویت معرفی تا اثر انگشتان او اخذ شده عکسبرداری از او انجام عکس او همراه آثار کلاسه انگشتان ضمیمه کیفرخواست می گردد.

۲- برخی نیز در این موارد مشخصات فرضی برای متهم نوشته و به آن نام کیفرخواست صادر می کنند.

نکته سوم: چنانچه متهم مشخصات خود را اشتباه داده باشد و این موضوع کشف گردد ابراز هویت خلاف واقع در دادسرا جرم نیست ، مقامات دادسرا فقط به اصلاح کیفرخواست مبادرت می نمایند.

نکته چهارم : در صورتی که متهم ناشناس و متواری باشد (مجهول الهویه، مجهول المكان) مطابق نظر مشورتی شماره..... نمی توان کیفرخواست را بدون ذکر مشخصات متهم و علیه فرد غیر معین صادر نمود و پرونده می بایست تا شناسایی هویت متهم در دادسرا مفتوح باشد مگر آنکه مطابق م ۱۰۴ ق.آ.د.ک شرایط صدور قرار توقف تحقیقات فراهم باشد.

نکته پنجم: باید دقت گردد تا شغل واقعی متهم در کیفرخواست نوشته شود در قانون به این که شغل متهم باید قانونی باشد تا در کیفرخواست قید گردد لذا باید شغل متهم را اعم از این که رسمی باشد یا آزاد، مشروع باشد یا نامشروع در کیفرخواست درج نمود.

نکته ششم: قید شماره ملی در کیفرخواست در قانون جدید آ.د.ک الزامی گشته است.

نکته هفتم: تابعیت، مذهب و وضعیت تأهل فرد در نوع و شدت مجازات او مؤثر است.

نکته هشتم: درج محل اقامت متهم برای ابلاغ اوراق قضایی اهمیت زیادی دارد.

### **ب) آزاد. تحت قرار تأمین یا نظارت قضایی بودن**

آزاد، تحت قرار تأمین یا نظارت قضایی بودن متهم و نوع آن و یا بازداشت بودن وی با قید علت و تاریخ شروع بازداشت باید در کیفرخواست درج گردد.

منظور از واژه «بازداشت» اصطلاح حقوقی آن یعنی صدور قرار بازداشت موقت نیست بلکه منظور این است که متهم در حال حاضر به علت قرار بازداشت یا سایر قرارهای تأمین زندانی است یا آزاد.

در برخی موارد در پرونده دو اتهام وجود دارد که بازپرس ممکن است پس از معرفی محکوم علیه به زندان نسبت به یک اتهام قرار منع تعقیب صادر نماید و نسبت به اتهام دیگر قرار مجرمیت در این فرض بازپرس مکلف است بلافاصله پس از تأیید قرار منع تعقیب نتیجه را به زندان اعلام نماید و نسبت به قرار دیگر کیفرخواست صادر کند و الا اگر از اتهام دیگر منع تعقیب بخورد زندان اور باه جهت باز بودن قرار نسبت به اتهام دیگر آزاد نخواهد کرد.

درج آزاد یا زندانی بودن متهم و همچنین علت بازداشت از آن جهت است که مقام قضایی در هنگام رسیدگی به پرونده این امر را مد نظر قرار دهد و دستورهای قضایی آن را دنبال کند و اگر علت بازداشت مرتفع گردد دستور لغو قرار منتهی به بازداشت را صادر نماید.

### **پ) نوع اتهام ...**

نوع اتهام، تاریخ و محل وقوع جرم اعم از بخش، دهستان، روستا، شهر، ناحیه، منطقه، خیابان و کوچه.

قانونگذار دادستان را مکلف کرده است تا اتهام را در کیفرخواست قید کند.

نکته اول : در مورد این که منظور از نوع اتهام چیست دو نظر وجود دارد:

الف) منظور از نوع اتهام عنوان کیفری فعل ارتكابی است مانند قتل، کلاهبرداری، سرقت، ... در نتیجه فعل ارتكابی هر عنوان مجرمانه شناخته شده ای داشته باشد باید همان را در کیفرخواست قید نمود. البته باید متذکر شد که بسیاری از اعمال ارتكابی کیفری عنوان جزایی خاص و شناخته شده ای ندارند.

ب) منظور از عنوان جرم اشاره به ماده ۱۴ ق.م.ا است یعنی اشاره شود فعل ارتكابی مستلزم کدام یک از مجازات های مستلزم حد، قصاص، دیه، تعزیر است.

نکته دوم : هرچند ذکر عنوان اتهامی در کیفرخواست الزامی است اما دادگاه محدود به عنوان مورد نظر دادسرا نبوده و در صورتی که عمل مرتکب را منطبق با عنوان دیگر بداند می تواند براساس همان اتهام رسیدگی کند.

ماده ۲۰۸ ق.آ.د.ک چنین توضیح می دهد: «عنوان اتهامی که در کیفرخواست ذکر می شود مانع از تعیین عنوان صحیح قانونی توسط دادگاه نیست در صورتی که مجموع اعمال ارتكابی متهم در نتیجه تحقیقات دادسرا روشن باشد و دادگاه فقط عنوان اتهام را نادرست تشخیص دهد مکلف است اتهام جدید را به متهم تفهیم تا از اتهام انتسابی مطابق مقررات دفاع کند و سپس مبادرت به صدور رأی نماید.»

بنابراین اگر تحقیقات دادسرا در خصوص عمل ارتكابی متهم کامل بوده ولی عنوان کیفرخواست مدنظر دادگاه نباشد، دادگاه اتهام مدنظر خود را به متهم تفهیم و به او اجازه دفاع از عنوان جدید را می دهد اما اگر به نظر دادگاه تحقیقات دادسرا در خصوص عنوان مدنظر دادگاه ناقص باشد می تواند پرونده را برای تکمیل تحقیقات به دادسرا اعاده نماید.

بعضا شاکی در شکایت خود عنوان خاصی را بیان می کند ولی مقامات دادسرا در مقام رسیدگی عنوان دیگری جز عنوان اعلامی شاکی را منطبق با موضوع می دانند. در خصوص وظیفه دادسرا در این موارد اختلاف نظر وجود دارد.

۱- برخی معتقدند باید بین جرایم قابل گذشت و غیر قابل گذشت تفاوت قائل شد در جرم غیر قابل گذشت چیزی که ارجاع می شود فعل یا ترک فعل است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است لذا دادسرا نیز باید صرف نظر از عنوان مدنظر شاکی رسیدگی و کیفرخواست صادر نماید و در جرایم قابل گذشت باید اراده شاکی را مدنظر قرار داد و رسیدگی و تفهیم اتهام و صدور کیفرخواست تابع عنوان مورد اراده شاکی است.

۲- برخی دیگر نیز معتقدند باید در کیفرخواست نسبت به عنوان مد نظر شاکی اتخاذ تصمیم نمود و سپس راجع به عنوان قانونی مورد انطباق از نظر دادسرا نظر نهایی و کیفرخواست صادر نمود. یعنی اگر شاکی براساس توهین شکایت کرده ولی به نظر دادسرا جرم افترا است باید نسبت به توهین قرار منع تعقیب صادر و سپس برای افترا قرار جلب به دادرسی صادر نمود که این نظر با توجه به ماهیت جرایم قابل گذشت صحیح بنظر نمی رسد به علاوه اینکه صدور دو قرار ماهوی نسبت به یک عمل ارتكابی نیز نادرست است.

نکته چهارم: قید محل وقوع جرم به صورت دقیق در بحث صلاحیت دادگاه مؤثر است زیرا به استناد ماده ۳۱۰ ق.آ.د.ک اصل بر آن است که متهم در دادگاهی محاکمه می شود که جرم در حوزه آن واقع شده است.

### **ت) ادله اثبات اتهام**

از مهمترین نکاتی که در تنظیم کیفرخواست باید مورد توجه دادستان قرار گیرد مستدل بودن آن است. چگونگی دلایل در وضعیت قضایی متهم تأثیری سرنوشت ساز دارد. در تنظیم کیفرخواست استدلال باید در دو محور جداگانه صورت گیرد.

اول: استدلال به این که عمل ارتكابی جرم است که به این دلایل، دلایل حکمی گویند.

دوم: استدلال به این که متهم مورد تعقیب، مرتکب آن شده است.

هنگام صدور کیفرخواست نخستین و مهمترین نگرش دادستان باید بر این مبنا قرار گیرد که عمل ارتكابی دارای خصیصه جزایی است یعنی عنصر قانونی وجود دارد.

با توجه به روش اقناع وجدانی و دلایل علمی که در قلمرو تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده وجود دارد دادستان می تواند دلایل عرفی موجود را ارزیابی کند و مستند کیفرخواست قرار دهد. این امور زیاد و متعدد می باشند و نمونه هایی از آن عبارتند از:

۱- شکایت شاکی: شکایت شاکی به تنهایی و فی حد نفسه دلیل اثبات جرم نیست اما می تواند در نظر دادستان یک اماره قوی و مهم جلوه کند زیرا شاکی متضرر از جرم بوده و گفته های چنین فردی را نمی توان نادیده گرفت بنابراین در مواردی که در پرونده ای شاکی خصوصی حضور دارد قید شکایت او به عنوان یک دلیل قابل توجیه می باشد.



اگر شاکی بعد از شکایت در جرایم غیر قابل گذشت اعلام گذشت نماید در کیفرخواست چنین قید می شود که «با توجه به شکایت اولیه شاکی ...» و اگر بر شکایت خود باقی باشد عبارت «با توجه به شکایت شاکی ...» درج می شود.

۲- اعتراف متهم: البته اقرار زمانی می تواند مثبت دعوای جزایی باشد که قرائن و اماراتی خلاف مفاد آن در پرونده موجود نباشد و با شرایط و تشریفات مقرر قانونی به عمل آید بنابراین در کیفرخواست قید می شود که: «با توجه به اقرار مقرون به قرائن متهم»

۳- گزارش ضابطین دادگستری: ماده ۳۶ ق.آ.د.ک بیان می دارد: «گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که بر خلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود.» در استدلال موضوع بهتر است دادستان به گزارش ضابطین تحت نظر خود استناد کند.

۴- شهادت: شهود باید با تمام مشخصات به متهم معرفی گردند تا تفهیم دلایل به درستی صورت گرفته باشد و بعد از استماع دفاعیات متهم در برابر اظهارات شهود دادستان میتواند آن را به عنوان دلیل در کیفرخواست ذکر کند. البته مطابق م ۲۱۴ ق.آ.د.ک اگر بیم خطر برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد بازپرس به منظور حمایت از شهود تدابیری از قبیل عدم مواجهه حضوری بین ایشان با شاکی و متهم یا عدم افشای اطلاعات هوش آنها اتخاذ می نماید به شرطی که منافع حقوق دفاعی متهم نباشد، بنابراین بازپرس می تواند بدون افشای هویت و مشخصات شهود، مفاد شهادت ایشان را به متهم اعلام کند تا وی امکان دفاع از داشته باشد.

۵- گزارش کارشناسان: در امور فنی صدور کیفرخواست بدون توجه به نظر کارشناسان خطا است

۶- معاینه محل: منظور ملاحظه محل وقوع جرم و صورت جلسه موارد ملاحظه شده و کشف شده می باشد که پس از ارزیابی در کیفرخواست به عنوان دلیل بیان می گردد.

۷- تحقیقات محلی: در تحقیقات محلی آگاهان از موضوع دانسته های خود را در باره موضوع جرم توضیح می دهند. تحقیقات محلی از آنجا که افراد موضوع جرم را ندیده اند خیلی اطمینان بخش نیست اما در صورت وجود بهتر است در کیفرخواست به آن استناد شود.

۸- دلایل کتبی: در بعضی جرایم دلیل کتبی می تواند وجود داشته باشد در جرایمی مانند جعل سند، صدور چک بلامحل، خیانت در امانت، توهین مطبوعاتی ... دلیل کتبی وجود دارد و دادستان مکلف است به آنها استناد نماید.

۹- قرائن و امارات: هنگام تنظیم کیفرخواست دادستان معمولاً در انتهای نوشته خود برای اثبات هرچه بیشتر توجه جرم به متهم مورد تعقیب اضافه می کند، «و سایر قرائن و امارات و اوضاع و احوال موجود در پرونده». هیچ یک از قرائن و امارات به تنهایی نمی تواند مثبت امر کیفری باشد اما در مجموع با کمک سایر دلایل موجب اطمینان قاضی می شود.

### **ث) مستند قانونی اتهام**

منظور قانونگذار از تأکید فوق این است که دادستان هنگام تنظیم کیفرخواست به اصول و مبانی به ویژه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات توجه داشته باشد ماده قانونی مورد استناد خود را با دقت بخواند و فعل ارتكابی را با آن تطبیق دهد و اگر ماده قانونی منطبق با عمل ارتكابی وجود نداشت از صدور کیفرخواست اجتناب کند.

### **ج) سابقه محکومیت مؤثر کیفری متهم**

در قانون سابق سابقه محکومیت کیفری متهم به طور کلی باید در کیفرخواست درج می شد اما در قانون جدید فقط سابقه محکومیت مؤثر کیفری متهم قید می شود. تبصره ماده ۴۰ ق.م.ا محکومیت مؤثر کیفری را چنین تعریف می کند: محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم براساس ماده ۲۵ این قانون از حقوق اجتماعی محروم می کند و به موجب ماده ۲۵ فقط در جرایم عمدی محکومیت مؤثر کیفری وجود دارد البته جرایم عمدی با مجازات حبس درجه ۶ تا ۸ و جرایم عمدی مستلزم جزای نقدی یا شلاق تعزیری محکومیت مؤثر کیفری برای فرد ایجاد نمی کند.

وجود سابقه محکومیت به دادگاه امکان می دهد تا از وضعیت اخلاقی و سوابق متهم باخبر باشد و آنها را در نوع و میزان مجازات به حساب آورد.

### **چ) خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم**

به موجب ماده ۲۰۳ ق.آ.د.ک در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می گردد حاوی مطالب زیر است:

۱- گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم

## ۲- گزارش پزشکی و روان پزشکی

ماده ۲۸۶ ق.آ.د.ک نیز مقرر می کند: «علاوه بر موارد مذکور در ماده ۳۰۲ این قانون در جرایم تعزیری درجه پنج و شش نیز تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا و یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است»

ذکر خلاصه پرونده شخصیت در موارد مصرح در این دو ماده که تشکیل پرونده شخصیت الزامی است لازم است و در غیر این موارد باید خلاصه ای از وضعیت روانی او در کیفرخواست ذیل گردد.

### گفتار سوم: انواع کیفرخواست

در ق.آ.د.ک مصوب ۹۲ دو نوع کیفرخواست پیش بینی شده است: کیفرخواست کتبی و کیفرخواست شفاهی.

اصل بر تنظیم کیفرخواست کتبی می باشد و مفاد ماده ۲۷۹ ق.آ.د.ک نیز باید رعایت گردد اما در مواردی قانونگذار به دادستان اجازه داده است که کیفرخواست را شفاهاً و حضوری در دادگاه با حضور متهم بیان کند شرایط جواز صدور کیفرخواست شفاهی در ماده ۸۶ ق.آ.د.ک بیان شده است:

«در غیر جرایم موضوع ماده ۳۰۲ این قانون چنان چه متهم و شاکی حاضر باشند یا متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد دادستان می تواند رأساً یا به درخواست بازپرس با اعزام متهم به دادگاه و در صورت حضور شاکی به همراه او دعوای کیفری را بلافاصله بدون صدور کیفرخواست به صورت شفاهی مطرح کند در این مورد دادگاه بدون تأخیر تشکیل جلسه می دهد و به متهم تفهیم می کند که حق دارد برای تعیین وکیل و تدارک دفاع مهلت بخواهد که در صورت درخواست متهم حداقل سه روز به او مهلت داده می شود تفهیم این موضوع و یا پاسخ متهم باید در صورت مجلس دادگاه قید شود هرگاه متهم از این حق استفاده نکند دادگاه در همان جلسه رسیدگی و رأی صادر می کند و اگر ضمن رسیدگی انجام تحقیقاتی را لازم بداند آنها را انجام و یا دستور تکمیل تحقیقات را به دادستان یا ضابطان دادگستری می دهد اخذ تأمین متناسب از متهم با دادگاه است شاکی در صورت مطالبه ضرر و زیان می تواند حداکثر ظرف پنج روز دادخواست خود را تقدیم کند و دادگاه می تواند فارغ از امر کیفری به دعوای ضرر و زیان رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید»

نکته اول: با توجه به متن ماده شرایط صدور کیفرخواست شفاهی عبارتند از:

الف) جرم از جمله جرایم موضوع ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک یعنی جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک نباشد

ب) متهم حاضر باشد و شاکی حاضر باشد و یا وجود نداشته یا گذشت کرده باشد

ج) تحقیقات مقدماتی کامل باشد

نکته دوم: بعد از درخواست دادستان مبنی بر طرح کیفرخواست شفاهی دادگاه بلافاصله تشکیل جلسه می دهد در این جلسه قاضی دادگاه مکلف است به متهم تفهیم نماید که حق دارد برای تعیین و تدارک دفاع مهلت بخواهد و تفهیم این موضوع و پاسخ متهم باید در صورتمجلس دادگاه قید شود.

نکته سوم: اگر متهم بخواهد از این حق استفاده کند حداقل ۳ روز مهلت به او داده خواهد شد و اگر نخواهد دادگاه در همان جلسه رسیدگی و رأی صادر می کند.

نکته چهارم: در ماده قید شده که در صورت طرح کیفرخواست شفاهی اخذ تأمین کیفری مناسب با خود دادگاه است. با توجه به شرط کامل بودن تحقیقات مقدماتی برای طرح کیفرخواست شفاهی وقتی پرونده در این مرحله از دادرسی قرار دارد حتما قرار تأمین در پرونده وجود دارد پس منظور از این عبارت قانونگذار به نظر آن است که دادگاه تناسب تأمین را بررسی می کند و در صورت عدم تناسب قرار، قرار مناسب صادر می نماید.

نکته پنجم: در صورت طرح کیفرخواست به صورت شفاهی و حضور شاکی، او می تواند درخصوص ضرر و زیان حداکثر ظرف ۵ روز دادخواست خود را به دادگاه تقدیم کند و دادگاه فارغ از امر کیفری به دعوی ضرر و زیان رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید.

نکته ششم: با توجه به ماده ۲۴۶ ق.آ.د.ک اگر قرار متناسب که توسط دادگاه صادر شده منتهی به بازداشت موقت شود قابل اعتراض در دادگاه تجدید نظر استان است.

فصل دوم: اقدامات بعد از صدور کیفرخواست

### **گفتار چهارم: تصحیح کیفرخواست**

به موجب تبصره ماده ۲۷۹ ق.آ.د.ک هرگاه در صدور کیفرخواست سهو قلم یا اشتباه بین صورت گیرد تا پیش از ارسال به دادگاه دادستان آن را اصلاح و پس از ارسال کیفرخواست به دادگاه موارد اصلاحی آن را به دادگاه اعلام می کند.

همان طور که ملاحظه می گردد دادستان در صدور کیفرخواست ممکن است دچار سهو قلم و یا اشتباه گردد در این حالت به او اجازه داده شده که متن کیفرخواست را تصحیح نماید ولی تصحیح آن بسته به آنکه کیفرخواست به دادگاه ارسال شده باشد یا نه متفاوت خواهد بود.

قبل از ارسال کیفرخواست دادستان می تواند رأساً نسبت به تصحیح کیفرخواست اقدام نماید و در صورت امکان در خود برگه کیفرخواست و در غیر این صورت ضمن یک صورت جلسه تصحیح کیفرخواست صورت می پذیرد.

بعد از ارسال کیفرخواست به دادگاه دست بردن به مفاد آن برای دادستان امکان پذیر نیست بلکه باید موارد اصلاحی را طی یک صورت جلسه به دادگاه اعلام نماید تا دادگاه با توجه به موارد اصلاحی تصمیم مقتضی به عمل آورد.

در تصحیح کیفرخواست نظر دادستان تغییر نمی کند بلکه نظری که باتوجه به قرار جلب به دادرسی و پرونده اتخاذ شد و در نوشتن آن سهو قلم پیش آمده اصلاح می گردد ماده ۲۸۲ ق.آ.د.ک نیز تأکید می نماید که دادستان نمی تواند پس از ارسال پرونده به دادگاه از اصل اتهام یا ادله آن عدول و بر این اساس کیفرخواست را مسترد یا اصلاح کند و فقط می تواند دلایل جدید له یا علیه متهم را که کشف یا حادث می شود به دادگاه اعلام کند.

تجویز تصحیح اشتباهاتی از این قبیل که به دلیل حجم بالای کار قضات در دادرسیها و دادگاهها ممکن است به کرات اتفاق بیافتد موجب جلوگیری از اطاله دادرسی می گردد و فرصتی در اختیار قضات می گذارد تا اشتباهات جزئی و سطحی رأی و تصمیم خود را اصلاح نمایند شبیه این مقرر در مقررات مربوط به رسیدگی در دادگاه نیز پیش بینی گشته است در ماده ۳۸۱ ق.آ.د.ک به قضات دادگاه رأساً اجازه تصحیح مواردی از قبیل سهو قلم و اشتباه در محاسبه تا قبل از ورود پرونده به مرحله تجدید نظر خواهی داده شده است.

### **گفتار پنجم: عدول از کیفرخواست**

عدول از کیفرخواست یعنی دادستان بنا به شرایط جدید بوجود آمده در مورد پرونده از نظر قبلی خود در کیفرخواست برگردد و موارد عدول از کیفرخواست به طور کلی طبق ماده ۲۸۳ ق.آ.د.ک در دو مقطع زمانی ممکن است بوجود آید:

## **بند اول : قبل از ارسال پرونده به دادگاه**

به موجب ماده ۲۸۳ ق.آ.د.ک قبل از ارسال پرونده به دادگاه در سه مورد امکان عدول از کیفرخواست وجود دارد :

۱) گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت: اگر شاکی پس از صدور کیفرخواست رضایت قطعی خود را به دادستان اعلام کند و در صورت وجود پرونده در دادسرا، دادستان از کیفرخواست خود عدول می کند و قرار موقوفی تعقیب توسط بازپرس صادر می شود.

۲) گذشت شاکی در جرایم غیر قابل گذشت: در صورت اعلام قطعی رضایت از طرف شاکی در صورت فراهم بودن شرایط صدور قرار تعلیق تعقیب مذکور در ماده ۸۱ ق.آ.د.ک دادستان می تواند از کیفرخواست عدول و تعقیب او را معلق نماید.

۳) گذشت شاکی در جرایمی که گذشت باعث تغییر نوع مجازات می شود و شرایط صدور قرار تعلیق تعقیب نباشد در این صورت با اعلام قطعی گذشت دادستان از کیفرخواست قبلی خود عدول نموده و بر اساس گذشت شاکی کیفرخواست جدید صادر می کند. مثلاً در قتل عمد مجازات قصاص با گذشت اولیای دم تبدیل به دیه می گردد و کیفرخواست بر اساس ماده ۶۱۲ اصلاح می شود.

## **بند دوم : پس از ارسال پرونده به دادگاه**

اگر موارد عدول از کیفرخواست به وجود آید دلایلی له یا علیه متهم کشف یا حادث شود امکان استرداد کیفرخواست و اصلاح آن برای دادستان وجود ندارد و بر مبنای ماده ۲۸۲ ق.آ.د.ک دادستان فقط دلایل له یا علیه متهم را به دادگاه ارائه می دهد و دادگاه نیز می تواند نپذیرد.

## **گفتار ششم: دفاع از کیفرخواست**

یکی از وظایف دادستان دفاع از کیفرخواست است ماده ۳۰۰ ق.آ.د.ک در این زمینه مقرر میدارد: «در تمامی جلسات دادگاه های کیفری دو دادستان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان می توانند برای دفاع از کیفرخواست حضور یابند مگر این که دادگاه ها حضور این اشخاص را ضروری تشخیص دهند که در این مورد و در تمامی جلسات دادگاه کیفری یک حضور دادستان یا نماینده او الزامی است لکن عدم حضور این اشخاص موجب توقف رسیدگی نمی شود مگر آنکه دادگاه حضور آنان را الزامی بداند»

بنابراین با توجه به این ماده حضور دادستان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان در تمامی جلسات دادگاه کیفری دو اختیاری است و نه الزامی. مگر در صورتی که دادگاه حضور این اشخاص را ضروری تشخیص دهد که در این صورت ملزم به حضور هستند.

در دادگاه کیفری یک حضور دادستان یا نماینده او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان در تمام جلسات دادگاه الزامی است. با توجه به ماده ۳۹۶ ق.آ.د.ک پس از تفهیم مفاد ماده ۱۹۴ به متهم دادستان یا نماینده او کیفرخواست و منشی دادگاه دادخواست مدعی خصوصی را قرائت می کند. سپس دادگاه موضوع اتهام و تمام ادله را به متهم تفهیم و شروع به رسیدگی می نماید. پس بطور خلاصه در دادگاه کیفری دو حضور دادستان یا نماینده او در جلسات رسیدگی اختیاری است مگر آنکه قاضی حضور او را ضروری بداند. در دادگاه کیفری یک حضور دادستان الزامی است در خصوص دادگاه انقلاب نیز مطابق م ۲۹۷ و تبصره آن اگر برای رسیدگی به جرایم موجب مجازات بندهای الف تا ت م ۳۰۲ تشکیل شده باشد باید مقررات دادرسی دادگاه کیفری یک رعایت شده و حضور دادستان الزامی است، در غیر این صورت مانند دادگاه کیفری دو حضور دادستان اختیاری است.

بر اساس ماده ۴۰۱ ق.آ.د.ک در موردی که به جرایم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک در خارج از حوزه قضایی محل وقوع جرم رسیدگی می شود تمام وظایف و اختیارات دادرسی از جمله شرکت در جلسه محاکمه و دفاع از کیفرخواست بر عهده دادرسی محل وقوع جرم است.

لازم به یادآوری است که عدم حضور دادستان یا نماینده او در جلسات رسیدگی دادگاه کیفری دو یا یک مانع توقف رسیدگی نیست مگر این که دادگاه رأساً حضور آنها را لازم بداند که در این صورت می تواند برای حضور آنها جلسه را به تعویق اندازد.

نحوه دفاع دادستان از کیفرخواست بدین شرح می باشد که اگر دادستان یا نماینده او با بررسی پرونده اعتقاد به صحت کیفرخواست و توجه اتهام به متهم دارد بعد از قرائت کیفرخواست بیان می دارد که وفق کیفرخواست صادره تقاضای مجازات و صدور حکم را دارم. و اگر دلایلی به نفع متهم بعد از صدور کیفرخواست و ارسال آن به دادگاه بوجود آمد و دادستان اعتقاد به بی گناهی متهم داشت یا رضایت شاکی واصل شد دادستان این دلایل را بیان کرده و اظهار می نماید با توجه به محتویات پرونده تقاضای رسیدگی و صدور حکم شایسته را دارم.

نکته : در دادگاه تجدید نظر نیازی به حضور دادستان نیست.